

آینده‌پژوهی اقدام‌گرا؛ بررسی تطبیقی آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی با تاکید بر کاربرد ترکیبی آنها در پژوهش

زهره دهدشتی شاهرخ^۱، الهه شیعه‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱

چکیده

آینده‌پژوهی حوزه‌ای است که موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد و علی‌رغم تفاوت‌های متعددی که با اقدام‌پژوهی دارد، می‌توان در برخی زمینه‌های سیاسی، سازمانی، فردی، جهانی مشترکاتی بین این دو مشاهده نمود. در این راستا پس از بررسی نقاط اشتراک و افتراق آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی، مطالعات انجام شده در این زمینه بازبینی شده و تلاقی آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس با ارزیابی فرایندهای بنیادین موجود در حوزه تلاقی آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی، جنبه‌های این تلاقی در قالب توجه بر تغییر اجتماعی، توانمندسازی، گرایش به سوی کل افراد و انسانی شدن، روش‌های کسب اطلاع و اخلاق معرفی می‌شوند و در نتیجه تبیین می‌شود اگرچه آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی هستی‌شناسی خاص خود را دارند و منحصر به فرد می‌باشند، در عین حال این دو نشان‌دهنده دوره‌های مختلف در یک سفر مشترک هستند.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، اقدام‌پژوهی، آینده‌پژوهی اقدام‌گرا

مقدمه

آینده‌پژوهی یک حوزه رو به رشد با سنت و تاریخچه‌ای بلندمدت از تحقیقات مفید است، که مشتمل بر حوزه‌های سیستم‌های تفکر، آموزش و پرورش، هرمنوتیک، تاریخ کلان، جامعه‌شناسی، مدیریت، ادبیات، اخلاق، فلسفه، برنامه ریزی و غیره می‌باشد. در حال حاضر یک زمینه یکپارچه پیچیده با زمینه‌های متعدد تحقیقاتی است که در قالب یک مجموعه

۱. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

پویای بعضا متناقض در هم تنیده شده‌اند. اگر چه بسیاری از مسائل حل نشده در مورد نظم وجود دارد، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در زمینه‌های مختلفی کاربرد گسترده‌ای دارند (راموس^۱، ۲۰۰۱).

از سوی دیگر اصول و شیوه‌های اقدام‌پژوهی^۲، سابقه‌ای طولانی در زمینه مطالعات آینده دارند و در سالهای اخیر دوباره رشد کرده‌اند. با ظهور مطالعات چشم‌انداز و آینده‌پژوهی، اقدام‌پژوهی اهمیت بالاتری را به‌عنوان مسیری برای توسعه تخصص در این حوزه جدید می‌گیرد. اقدام‌پژوهی نوعی از پژوهش کیفی است که در چارچوبی مشخص به‌منظور حل مسائل سازمانی در چرخه‌ای متشکل از شناسایی مسأله، ارائه راهکار، سنجش برون‌دادها، طرح‌ریزی مجدد، اجرا و ارزیابی انجام می‌شود. اقدام‌پژوهی، همانگونه که به‌عنوان یک روش مناسب برای توسعه فرایند به‌کار می‌رود، به‌خوبی با مطالعات آینده‌پژوهی هماهنگ شده‌است (لیست^۳، ۲۰۰۵).

پیوندهای قوی بین اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی توسط بسیاری از آینده‌پژوهان به‌رسمیت شناخته شده‌است (لیست، ۲۰۰۵؛ راموس، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶؛ بل^۴، ۱۹۹۷؛ فلاید^۵، ۲۰۱۲). این موضوع از دیدگاه بل به‌عنوان یکی از مبانی مطالعات آینده شناخته شده‌است. به‌نظر وی آینده‌پژوهی می‌تواند به‌عنوان یک علم عملی در کامل‌ترین اصطلاح در نظر گرفته شود (بل، ۱۹۹۷). بل (۱۹۹۷) همچنین یک جریان صریح اقدام‌محور را در آینده‌پژوهی مشخص می‌کند و آن را به‌عنوان یکی از رویه‌های مشارکتی آینده توصیف می‌کند. او اشاره می‌کند که آینده‌گرایانی که در این حوزه کار می‌کنند فراتر از ایجاد دانش فعالیت می‌کنند و مستقیماً در خط مقدم اقدام‌پژوهی در حال فعالیت‌اند. سایر محققان نیز در این زمینه به وجود پیوندهایی بین اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی اشاره کرده و سعی در اجرایی کردن این پیوند در عمل داشته‌اند (اسلاتر^۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳؛ ویزبرد^۷ و همکاران، ۲۰۰۰؛ عنایت‌الله^۸، ۲۰۰۶؛

-
1. Ramos
 2. Action Research
 3. List
 4. Bell
 5. Floyd
 6. Slaughter
 7. Weisbord
 8. Inayatullah

نواکی^۱، ۲۰۰۳). باتوجه به تفسیر هایکس^۲ (۲۰۰۲) درباره آموزش آینده‌های جهانی، ترکیب آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی، تنها فرآیند حساس سازی نسبت به مسایل پیچیده جهانی نخواهد بود، بلکه به صورت بنیادی تر به بهبود و درمان بیگانگی ما از جهان و آینده‌های ما می‌پردازد. بر این اساس می‌توان گفت آینده‌پژوهی اقدام‌گرا^۳ حرکتی است به سمت التیام روح ما در خلق مجدد آینده‌های مشترکی که لزوماً بسیار مشابه نیستند (راموس، ۲۰۰۶). از این رو، با توجه به اینکه مقایسه نظرات در زمینه اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی می‌تواند باعث روشن‌تر شدن اشتراکات و تمایزات مبنایی این دو حوزه و ایجاد روش‌های ترکیبی برای بهبود پژوهش‌های مرتبط با آینده گردد، این سوال مطرح می‌شود که اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی در چه ابعادی با هم تلاقی دارند؟ براین اساس هدف مطالعه حاضر بررسی مقایسه‌ای اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی و کاربرد ترکیبی و همگرایی این دو در پژوهش می‌باشد.

آینده‌پژوهی

رویای دانستن و شناخت آینده، رویای بزرگی است که تلاش بسیاری افراد را در طول تاریخ معطوف به خود کرده است. آینده در هر لحظه‌ای در حال ساخته شدن است و هیچگاه از زمان نمی‌ایستد، مگر آنکه زمان از حرکت بازایستد! (اسلاتر، ۲۰۰۲). آینده‌پژوهی^۴ به مفهوم فراهم آوردن امکاناتی برای افزایش آگاهی از آینده، و کنترل بر آن می‌باشد. در این راستا برای مطالعه آینده و تحقق اهداف کلیدی خود، با هدف شناسایی انتظارات از آینده، به جهت‌دهی همه توان و ظرفیت عوامل شکل دهنده، در راستای تحقق مطلوب‌ترین بدیل آینده کمک می‌کند (لیمپرت^۵، ۲۰۰۳). آینده‌پژوهی را می‌توان یک رویداد در نظر گرفت که ممکن است به صورت برابر، به تدریج به فرایندهایی که آشکار می‌شوند پردازد، که ممکن است به آن‌ها توجه شود یا نشود (رامیرز و راوتز^۶، ۲۰۱۱). آینده‌پژوهی تفکری است که در زمان حال رخ می‌دهد و ممکن است به یکی از چند آینده ممکن تبدیل شود (عنایت‌الله، ۱۹۹۰) یا همان‌گونه که گوردن^۷ (۱۹۹۲) بیان می‌کند مطالعه نظام‌مند آنچه ممکن است

-
1. Nováky
 2. Hicks
 3. Action oriented Futures studies
 4. Futures Study
 5. Lempert
 6. Ramírez & Ravetz
 7. Gordon

رخ دهد، می‌باشد. در مجموع آینده‌پژوهی مجموعه‌ای از رویکردها، اهداف و روش‌ها است و بسیاری از بخش‌های آن در مراحل تکامل قرار دارند (کوسا^۱، ۲۰۱۱).

در آینده‌پژوهی واژه آینده^۲ به صورت جمع^۳ به کار می‌رود؛ زیرا با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدلوژی‌ها، به جای تصور یک آینده، به گمانه‌زنی سیستماتیک در مورد چندین آینده متصور مبادرت می‌شود. در آینده‌پژوهی، چند آینده متفاوت تعریف می‌شود (لمپرت، ۲۰۰۳؛ هنکوک و بزالد^۴، ۱۹۹۳):

آینده بالقوه^۵: هنگامی که درباره آینده‌های بدیل به صورت عمومی و بدون مشخص کردن ویژگی دیگری صحبت می‌شود، این نوع آینده مدنظر است. این نوع آینده شامل تمام انواع دیگر آینده خواهد بود.

آینده ممکن^۶: شامل همه آینده‌هایی است که ممکن است رخ دهد و می‌توان متصور شد. آینده ممکن بر پایه دانش جدید ما در آینده است.

آینده باورکردنی^۷: این گونه آینده مشتمل بر تمام آینده‌هایی است که با توجه به دانش کنونی امکان وقوع دارد و از دانش کنونی برخاسته‌اند. بدین مفهوم که با توجه به دانش و درک کنونی، امکان وقوع منطقی آن وجود دارد یا خیر؟

آینده محتمل^۸: این نوع دربردارنده مواردی است که احتمال وقوع داشته و از پیوستگی روندهای کنونی برخاسته است. برخی آینده‌های محتمل از برخی دیگر محتملتر هستند. باید توجه داشت که روندها همواره پیوسته نیستند و در طول زمان برخی از آنها از بین می‌روند.

آینده مرجح^۹: سه آینده پیشین در ارتباط مستقیم با دانش شناختی و اطلاعاتی فرد نسبت به زمان هستند، اما آینده مرجح در ارتباط با چیزی است که فرد خواستار وقوع آن می‌باشد. براین اساس این آینده بیشتر از آنکه شناختی باشد احساسی است.

-
1. kuosa
 2. Future
 3. Futures
 4. Hancock & Bezold
 5. Potential futures
 6. Possible futures
 7. Plausible futures
 8. Probable futures
 9. Preferable futures

آینده پژوهی به مثابه دانش اقدام و یک حوزه مستقل بین رشته‌ای برخوردار از پشتوانه‌های معرفت شناختی و روش شناختی است (محروق و خوشکار، ۱۳۹۳). آینده پژوهان، گونه شناسی‌های متفاوتی از پارادایم‌های پژوهشی را در مطالعات آینده پژوهی ارائه داده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

لینستون^۱ (۲۰۰۷) آینده پژوهی را به سه نوع فنی، سازمانی و فردی تقسیم می‌کند. عنایت‌الله (۱۹۹۰) پیش‌بینی‌کننده، تفسیری و انتقادی و یادگیری از اقدام تقسیم می‌کند. آمارا^۲ (۱۹۸۱، ۱۹۸۴) آن را به ممکن، محتمل و مرجح تقسیم می‌کند. نقاط تمرکز وی ارزیابی‌های کارشناسان، فرایندهای سناریوسازی و مدل‌سازی و ساختاری هستند. سردار^۳ (۱۹۹۳) دارای گونه‌شناسی استعماری و استعمارزدایی است و مانرما^۴ (۱۹۹۱) سنخ‌شناسی توصیفی، سناریو و آینده پژوهی تکاملی را در نظر می‌گیرد. بل^۵ (۲۰۰۳) اثبات‌گرایی، پسا اثبات‌گرایی و واقع‌گرایی انتقادی را معرفت‌شناسی‌های موجود در آینده پژوهی می‌داند و واقع‌گرایی انتقادی را معرفت‌شناسی مطلوب خود معرفی می‌کند. تاپیو و هیئت‌انن^۶ (۲۰۰۲)، پس از مرور هفت گونه شناسی قابل قبول از پارادایم‌های مطالعات آینده را ارائه می‌کنند. در گونه شناسی آن‌ها آینده پژوهی در هفت پارادایم اثبات‌گرایی کنتی، انسان‌گرایی خوش‌بینانه، انسان‌گرایی کثرت‌گرا دموکراسی، پراگماتیسم، انتقادی، پراگماتیسم نسبی‌گرا و دموکراتیک نامنظم دسته‌بندی می‌شود. روس^۷ (۲۰۰۸) بر مبنای مطالعات لینکولن و گوبا پنج پارادایم اصلی پژوهش در آینده پژوهی را اثبات‌گرایی، پسا اثبات‌گرایی، سنجش‌گرایی، بر ساخت‌گرایی و مشارکتی در نظر می‌گیرد.

اقدام پژوهی

قبل از بررسی مشابهت‌های آینده پژوهی و اقدام پژوهی باید به توصیف ماهیت اقدام پژوهی پرداخت. عوامل متعددی در شکل‌گیری رویکرد اقدام پژوهی، موثر بوده‌اند از جمله: فلسفه عمل‌گرا، نظریه سازندگی، روان‌شناسی انسان‌گرا روان‌شناسی سلامت، تفکر سیستم‌ها،

-
1. Linstone
 2. Amara
 3. Sardar
 4. Mannermaa
 5. Bell
 6. Tapio & Hietanen
 7. Vroos

فمنیسم و بعضی از گروه‌های اقلیت که شرایط مناسبی برای ظهور و توسعه اقدام قلمداد می‌شوند. در واقع رویکرد اقدام‌پژوهی، ریشه در فلسفه پیشرفت‌گرایی دارد. پیشرفت‌گرایان معتقدند مهمترین واقعیت، تغییر است (زندوانیان، عیسوی و جعفری، ۱۳۹۰).

اقدام‌پژوهی یک روش علمی در تعریف، توصیف، تفسیر و تشریح سیستماتیک مشکلات دنیای واقعی بوده و کمک شایانی در طراحی راه‌حل‌های مناسب و اقدامات موثر می‌نماید. هدف اقدام‌پژوهی، پرداختن به مشکلات عملی افراد در وضعیتی که در آن نوعی مشکل خاص وجود دارد و هدف آن افزایش دانش اجتماعی از طریق همکاری متقابل توأم با احترام و اعتماد متقابل در درون یک چهارچوب اخلاق مقبول طرفین است (عابدی، شواخی و جعفری، ۱۳۸۶). کوهن^۱ و همکاران (۲۰۰۷) اقدام‌پژوهی را مداخله در مقیاس کوچک در کارکرد دنیای واقعی و بررسی اثرات چنین مداخله‌ای می‌دانند. اقدام‌پژوهی روشی برای ارتقاء و توسعه فرایند بهسازی است که شامل توصیف مسئله، جستجوی دانش از تحقیقات پیشین، جمع‌آوری اطلاعات، تهیه و اجرای راهبرد برای تغییر وضعیت، ارزشیابی نتایج و برنامه‌ریزی برای بهبود دوره‌های دیگر می‌شود (هاگ‌ویک^۲ و همکاران، ۲۰۱۲). در واقع اقدام‌پژوهی نوعی از پژوهش کیفی است که در چارچوبی مشخص به‌منظور حل مسائل سازمانی در چرخه‌ای متشکل از شناسایی مسأله، ارائه راهکار، سنجش برون‌دادها، طرح‌ریزی مجدد، اجرا و ارزیابی انجام می‌شود. اقدام به‌وسیله و برای مشارکت‌کنندگان تحقیق و با کمک محققان طراحی و ایجاد شده است (لینکلن^۳ و همکاران، ۲۰۱۱).

از آنجایی که اقدام‌پژوهی یک حوزه پژوهشی متنوع می‌باشد، به‌منظور شرح مختصری از اقدام‌پژوهی به‌پنج ویژگی که این شیوه‌های تحقیق غالباً در آن مشترک می‌باشند پرداخته می‌شود (تاربرت^۴، ۲۰۰۱):

نخست آنکه هدف وجودی اقدام‌پژوهی، انجام اقدامی در جهت بهبود و ارتقای انسان می‌باشد. علاوه‌براین چنین فرض می‌شود که با اقدام و تجربه بهتر می‌توان دنیا را شناخت و بدون این تجربه، نظریه محقق ضعیف می‌باشد. این امر تلاشی در جهت آشکارسازی موارد ضمنی به واسطه انعکاس تجربه واقعی زندگی انسان‌ها می‌باشد. علاوه‌براین روش اقدام‌پژوهی

-
1. Cohen
 2. Hagevik
 3. Lincol
 4. Torbert

دارای چند روش شناخت نظریه و روش کار هستند و دانش فرایندی فراتر از مساله‌ای ثابت و جهانی بوده و به واسطه تنوع زمینه‌ها به صورت مشترک خلق می‌شود. از سوی دیگر اقدام پژوهی یک فرایند مستمر، اکتشافی و مکرر تحقیق بوده و اقدامی تکاملی محسوب می‌گردد که از طریق یادگیری حاصل از اندیشیدن پیرامون موفقیت‌ها و شکست‌ها انجام می‌گیرد. براین اساس فرایندهای مختلف اقدام پژوهی، دارای چرخه (هرون و ریزن^۱، ۲۰۰۶) یا الگویی مارپیچی (استرینگر^۲، ۲۰۱۳؛ مرتلر^۳، ۲۰۰۸) هستند که در آن هر چرخه به صورت مداوم تکرار شده و هر چرخه براساس مورد قبلی ساخته می‌شود. اقدام پژوهی همچنین برای مشارکت کنندگان بوده و به این پرسش پاسخ می‌دهد که تحقیق به نفع چه کسی است؟ در اقدام پژوهی تحقیق برای یادگیری، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ذینفعان - مشارکت کنندگان است که گروه مرجع اصلی در فرایند کار به شمار می‌روند. در نهایت اقدام پژوهی، پژوهشی با اخلاق دموکراتیک است که هدف آن نقد روابط قدرت و پرداختن به شکایت‌های گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌باشد.

لینکن و گوبا^۴ (۲۰۰۱) در مرور ناسازگاری پارادایمی تحقیق اجتماعی بیان کردند، اقدام پژوهی بخشی از یک پارادایم تحقیق مشارکتی ظهور یافته می‌باشد که تفاوت زیادی با سنت‌های رایج اثبات گرا، پسااثبات گرا، انتقادی و برساخت گرا دارد. در سطح هستی - شناختی، دارای واقعیت مشارکتی واقعیت ذهنی - عینی است که توسط ذهن و دنیاهای فرضی خلق می‌شود. در سطح معرفت‌شناسی، ذهنیت حساس در تبادل مشارکتی با جهان اطراف وجود دارد. معرفت‌شناسی، گسترش یافته تجربه، شناخت پیشنهادی و عملی به همراه یافته‌هایی است که به صورت مشترک خلق می‌شوند. اقدام پیش‌نیاز اعتبار فرایند تحقیق است و در بازه توازن خودمختاری، همکاری و سلسله مراتب در یک فرهنگ می‌یابد. به طور کلی، لینکن و گوبا (۲۰۰۱) معتقدند پارادایم تحقیق مشارکتی با سنت‌های انتقادی و برساخت گرا ترکیب می‌شود اما با سنت‌های اثبات گرا، پسااثبات گرا، تفاوت دارد. به نظر باسکرویل^۵ (۱۹۹۹) اقدام پژوهی روش تحقیقی بالینی می‌باشد که به عنوان فلسفه‌ای علمی، کیفی، و فرااثبات‌گرایی شناخته شده است. اقدام پژوهی ریشه در پدیدارشناسی،

1. Heron & Reason
2. Stringer
3. Mertler
4. Lincoln & Guba
5. Baskerville

موجودیت‌گرایی، و هرمنوتیک دارد؛ یعنی پژوهشگران درپدیده تحت بررسی هم آن را مشاهده می‌کنند و هم در تغییر آن مشارکت می‌کنند (دانائی فرد، ۱۳۸۳). اقدام‌پژوهی در ترکیب سنت‌های تحقیق قبلی و یک جهان‌بینی مشارکتی امکان بیان تکنیک‌های اثبات‌گرایی و چارچوب‌بندی آنها در یک زمینه انسانی می‌دهد (ریزن و بردبری^۱، ۲۰۰۱).

ریزن و بردبری (۲۰۰۱) بین سطوح مختلف فرایند اقدام‌پژوهی تمایز قرار داده‌اند: اقدام‌پژوهی اول‌شخص^۲، دوم‌شخص^۳، و سوم‌شخص^۴. این تمایزها به شفاف‌سازی ابعاد تلافی اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی کمک می‌کند. اقدام‌پژوهی اول‌شخص پژوهشی است فردمحور درباره زندگی خود به‌منظور انجام اقداماتی با آگاهی بیشتر. این تحقیق بر تجربه ذهنی و عاملیت فرد و تقویت ذهنیت انتقادی متمرکز می‌باشد.

اقدام‌پژوهی دوم‌شخص، جامعه‌ای سازمان‌محور بوده که در تحقیق چهره به چهره و گفتگوی بین فردی رخ می‌دهد، و هدف آن بهبود درک متقابل به‌منظور بهبود و ارتقای روش‌های فردی و حرفه‌ای و حرکت به سمت اقدام و نوآوری جمعی است.

در نهایت اقدام‌پژوهی سوم‌شخص بین گروه‌ها و افراد یا رویدادهای سیاسی بزرگتر که ماهیتی غیرشخصی‌تر داشته و ملاقات چهره به چهره در آن با همه ممکن نیست، ارتباط ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند در سازمان‌های بزرگ و دیپارتمان‌های دولتی یا شبکه‌های گروهی رخ دهد. به‌نظر ریزن و بردبری (۲۰۰۱) یک فرایند اقدام‌پژوهی موفق مستلزم ترکیب تمامی سطوح سه‌گانه یادشده می‌باشد.

مشابهت‌های آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی

راموس (۲۰۰۲) از هشت عامل به‌عنوان وجوه اشتراک و گذرگاه تقاطع و تلافی آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی یاد می‌کند: این اشتراکات عبارتند از:

مشارکت^۵: آینده‌پژوهی به‌طور فزاینده‌ای ظرفیت‌سازی موقعیت‌های سازمانی یا عادی را عرف قرار داده است.

-
1. Reason & Bradbury
 2. First person
 3. Second person
 4. Third person
 5. Participation

تغییر اجتماعی^۱: در حالی که آینده‌پژوهی به بررسی و جستجو و کشف تغییر اجتماعی می‌پردازد، اقدام‌پژوهی بر عاملیت فرایند تغییر اجتماعی تمرکز دارد. خلق دانش^۲: هر دو حوزه، پیشرفت‌ها و نوآوری‌های حائز اهمیت در گسترش و ارائه قدرت، اعتبار و خلق دانش داشته‌اند.

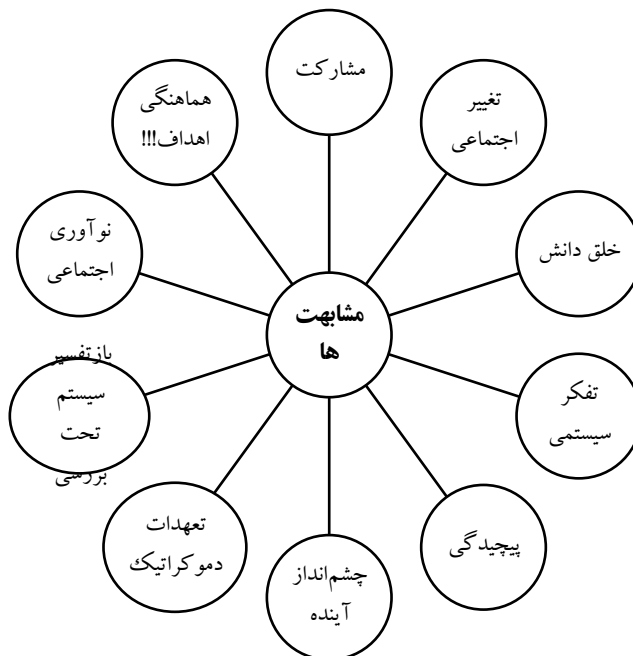
تفکر سیستمی^۳: آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی هر دو به‌طور فزاینده‌ای از تفکرات دیدگاه‌های مختلف تفکر سیستمی استفاده کرده‌اند و هر دو دارای یک دیدگاه مداخله سیستمی مشترک هستند.

پیچیدگی^۴: هر دو غالباً دارای معرفت‌شناسی مشارکتی هستند که اذعان دارند متغیرهای بسیار زیادی در هر تلاش تحقیقاتی به‌منظور مشاهده کامل یک موقعیت وجود دارند و در نتیجه نگرستن به جهان، جهان‌بینی‌ها، فیلترها، مدل‌های ذهنی فرد و غیره نتایج را شکل خواهند داد.

چشم‌اندازهای آینده^۵: در حالی که در اغلب موارد، ملاحظه اصلی آینده‌پژوهی، چشم‌انداز است، اقدام‌پژوهی نیز به ترکیب روش‌ها و چارچوب‌های چشم‌اندازسازی پرداخته است. تعهدات دموکراتیک^۶: در آینده‌پژوهی از طریق روش آینده‌پژوهی مشارکتی تجربیات دموکراسی برآوردی محقق می‌شود.

نوآوری اجتماعی^۷: اقدام‌پژوهی از طریق تجربه و اجرای عملی به نوآوری اجتماعی دست می‌یابد، در صورتی که نوآوری اجتماعی در آینده‌پژوهی از طریق فرایندهای مفهوم‌سازی و ارتباط انتزاعی‌تر تحقق می‌یابد.

-
1. Social change
 2. Knowledge creation
 3. Systems thinking
 4. Complexity
 5. Futures visions
 6. Democratic commitments
 7. Social innovation



شکل ۱. مشابهت‌های آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی (راموس، ۲۰۰۲؛ لیست، ۲۰۰۵ و فلاید، ۲۰۱۲)

لیست^۱ (۲۰۰۵) وجه اشتراک نهمی را تحت عنوان کاوش مستمر مفروضات^۲، و بازتفسیر و تفسیر مجدد سیستم تحت مطالعه، به این اشتراکات هشت‌گانه اضافه می‌کند. به زعم وی راموس این عامل را تحت زیرمجموعه تعهدات دموکراتیک یاد کرده است، در حالی که تعهدات دموکراتیک مستلزم توجه به عامل یادشده است. به عنوان مثال توسعه یک تعریف ریشه سیستم‌های نرم روش‌شناسی صرفاً به واسطه کارشناسان این امر انجام پذیر می‌باشد (چکلند^۳، ۱۹۸۱؛ به نقل از لیست، ۲۰۰۵).

علاوه بر این از دیدگاه فلاید (۲۰۱۲) برای درک ارتباط اصول اقدام‌پژوهی و شیوه‌های کاربردی آینده‌پژوهی، قابلیت قیاس اهداف هر کدام بسیار مهم است. در حالی که در عمل انواع مختلفی از اقدام‌پژوهی وجود دارد، انسجام کلی بر مبنای هدف بین آن‌ها وجود دارد. اشکال مختلف اقدام‌پژوهی، همه در یک جهت عمل می‌کنند. به زعم ریزن و بردبری (۲۰۰۱) هدف اولیه اقدام‌پژوهی، تولید دانش قابل استفاده برای زندگی روزمره مردم است.

1. List
2. Ongoing probing of assumptions
3. Checkland

هدف بعدی اقدام پژوهی این است که از طریق این دانش عملی به افزایش رفاه (اقتصادی، سیاسی و معنوی) افراد و جوامع انسانی کمک کند و ارتباط عادلانه و پایدارتری با اکولوژی زمین، که ما یک بخش ذاتی از آن هستیم، برقرار کنیم. در حالی که بل (۱۹۹۷) هدف کلی آینده پژوهی را حفظ یا بهبود آزادی و رفاه بشر می‌داند. به نظر وی برخی آینده پژوهان، علاوه بر رفاه بشر باید بهبود رفاه همه موجودات زنده، گیاهان و زیست کره زمین را مدنظر قرار دهند. بنابراین، در سطح عمومی تر، هدف آینده پژوهان از طریق منفعت رسانی به مردم و ظرفیت‌های پایدار زندگی در زمین، کمک به ایجاد جهان بهتری برای زندگی است. بر این اساس، سهم متمایز آینده پژوهان، تفکر آینده‌نگر^۱ است. از طریق تفکر آینده‌نگر، آینده‌گرایان در تلاش هستند تا به صورت توأمان به رفاه مردم فعلی و نسل‌های آینده کمک کنند.

طبق آنچه ذکر شد هدف مشترک اقدام پژوهی و آینده پژوهی گسترش رفاه همه مردم و حتی تمام موجودات است. بر این اساس با تأکید بر بهبود رفاه، می‌توان گفت هدف اقدام پژوهی به خوبی با هدف آینده پژوهی مبنی بر تبدیل جهان به مکانی بهتر برای زندگی، هم راستا شده است، از این رو با توجه به اهداف بیان شده انسجام عمیقی بین اقدام پژوهی و آینده پژوهی وجود دارد (فلاید، ۲۰۱۲).

تفاوت‌های آینده پژوهی و اقدام پژوهی

با وجود شباهت‌های ذکر شده، مطالعات آینده پژوهی و اقدام پژوهی تفاوت‌های آشکار چندنی نیز دارند. اولین تفاوت برخاسته از تعریف است. علی رغم آنکه از دیدگاه فلاید (۲۰۱۲) ذکر شد هدف مشترک اقدام پژوهی و آینده پژوهی منجر به انسجام عمیقی بین این دو گردیده، اما این امر مربوط به فلسفه و هدف غایی این دو رشته می‌باشد و در جزئیات و اهداف ثانوی باهم تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. بر این اساس آینده پژوهی برای مطالعات مربوط به آینده مناسب به نظر می‌رسد و بر زمان آینده تمرکز دارد، در صورتی که اقدام-پژوهی عمل‌گرا بوده (راموس، ۲۰۰۶) و هدف از آن نظریه پردازی نبوده (ایرانی، ۱۳۸۲) بلکه هدف یافتن راه‌حلهای عملی برای مسائل است و بر زمان کنونی و فعلی تمرکز دارد. در واقع در اقدام پژوهی تغییر و بهسازی فعالیت‌های روزمره از عمده‌ترین ویژگی‌هایی است که به آن توجه می‌شود (ایرانی، ۱۳۸۲).

تفاوت بعدی ناشی از ابزار^۱ می‌باشد. اقدام پژوهی بر داخل متمرکز شده و عموماً کار با یک سازمان واحد را در برمی‌گیرد. در مقابل، زمانی که پروژه‌های آینده توسط یک سازمان آغاز به کار می‌کند، به‌فراتر از محدودیت‌های آن سازمان توجه نموده و گرایش‌ها و روندهای اجتماعی و دیگر نیروهای خارجی را در نظر می‌گیرد. علاوه بر این اقدام پژوهی چرخه تکرار شونده را به صورت روشن و صریح به کار می‌گیرد. فرایند مشاهده، فکر، و عمل در اقدام پژوهی تکرار می‌شود و به سمت درک بهتر عمل و تغییر حرکت می‌کند، تا جایی که ذخیره دانش به‌انجام بهتر کارها کمک کند (ایرل و فیدمن^۲، ۲۰۰۲: ۱۳۴). در حالی که این عامل، یک مولفه عادی در هیچ یک از روش‌های آینده پژوهی (به غیر از دلفی) به شمار نمی‌رود (لیست، ۲۰۰۵: ۲۰۰). (هر چند در عمل تحلیل لایه‌ای سببی^۳ (عنایت‌الله، ۲۰۰۲) نیز ممکن است از طریق توجه پی در پی به یک سری از لایه‌ها چنین کاری انجام دهد). از سوی دیگر این فرض کلی وجود دارد که آینده پژوهی مفهومی کم و بیش ثابت است که افراد و سازمان‌هایی مشخص به مجموعه‌ای از مسائل می‌پردازند (مارین^۴، ۲۰۰۲)، در آینده پژوهی تنها زمانی که وظایف به‌خوبی انجام شوند، می‌توان به دنبال تعقیب فناوری‌های مطلوب‌تر و حرکت پیش‌رونده پرداخت (اسلاتر، ۲۰۰۱ الف). در حالی که همان‌طور که ذکر شد تقریباً تمام صاحب‌نظران، اقدام پژوهی را چرخه‌ای تکرار شونده تصور می‌کنند که تا جایی که ذخیره دانش به انجام بهتر کارها کمک کند. لازم به ذکر است به نظر مارین (۲۰۰۲) با توجه به تحول گسترده بسیاری از صنایع و نهاده، غیرمحمول است که آینده پژوهی امری ثابت و ایستا باقی بماند.

از سوی دیگر یکی از مشکلات اقدام پژوهی ناشی از این است که نمی‌تواند بطور کامل برنامه‌ریزی شده و یا در مسیری خاص هدایت شود. ممکن است پژوهشگر اهداف پژوهش را به صورت آرمانی بیان کند، اما نمی‌تواند با طراحی خاصی آنها را مورد آزمایش قرار دهد. پژوهشگر مجبور است برای هر چه که در عمل در فضای تحقیق اتفاق می‌افتد، آماده باشد و ناچار است به هر سمتی که تحقیق او را می‌کشاند برود یا اینکه تحقیق را متوقف سازد

-
1. Scale
 2. Earl & Feidman
 3. Causal layered analysis
 4. Marien

(باسکرویل، ۱۹۹۹)، این در حالی است که مطالعات آینده پژوهی قابلیت نظم پذیری و برنامه ریزی بیشتری دارد.

باید توجه نمود اقدام پژوهی، مشارکت جویانه است (عابدی، شواخی و جعفری، ۱۳۸۶) چرا که مشارکت می تواند به تعهد بیش تر بیانجامد تا تحقق نتایج یا پیامدها آسان تر گردد. در حالی که اگرچه تحقیقات آینده پژوهی عموماً مشارکتی هستند اما میزان مشارکت بسته به نوع روش پژوهش از کم (آینده پژوهی فردی: لینستون، ۲۰۰۷) تا زیاد (آینده پژوهی مشارکتی: شولتز، ۱۹۸۸) متغیر است.

علاوه بر این برخلاف روش های تحقیق متداول و (همین طور آینده پژوهی) که در اغلب موارد آزمودنی جدا از پژوهشگر است، در اقدام پژوهی ضمایر «من» و «ما» محور اساسی کار است (ایرانی، ۱۳۸۲) و بر همین مبنا اقدام پژوهی خود ارزیاب^۱ است و متغیرهای فرایند پژوهش، همواره توسط خود پژوهشگران ارزیابی می شوند. در واقع در اقدام پژوهی، درگیری پژوهشگر و زمینه پژوهش وجود دارد و اقدام پژوهی بر ارزش ها و استانداردهای مشترک پژوهشگر و متقاضی تحول، متمرکز است، در صورتی که غالباً در آینده پژوهی این درگیری وجود ندارد.

جدول ۲. تفاوت های آینده پژوهی و اقدام پژوهی

نقاط اختلاف	آینده پژوهی	اقدام پژوهی
هدف	نظریه پردازی	یافتن راه حل های عملی
محور اصلی	پیش بینی و توصیف آینده	تغییر وضع موجود
میزان تحرک	ایستا و قابل بهبود	پویا
تمرکز بر زمان	آینده	حال
مرکز توجه	فراسازمانی	داخل سازمان
قابلیت هدایت و برنامه ریزی	زیاد	کم
مقطع	تک مقطعی	چرخش تا حصول به راه حل
توجه به نیروهای تاثیر گذار	نیروهای داخلی و خارجی	نیروهای داخلی
میزان مشارکت پژوهشگر	کم تا زیاد	زیاد

1. Self evaluation

- ترکیب اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی در مطالعات پیشین راموس (۲۰۰۶) مصداق‌هایی عینی از تعامل آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی را با رویکردها و روش‌های متفاوت که در ظاهر به شباهت‌های ظاهری و گونه‌شناسی خود توجه ندارند شناسایی کرده و در سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند:
- (۱) روش‌هایی که خود را اقدام‌پژوهی در نظر می‌گیرند و به ترکیب تفکر و روش‌های آینده‌پژوهی ضمنی می‌پردازند.
 - (۲) روش‌هایی که خود را آینده‌پژوهی در نظر می‌گیرند در حالی که به صورت ضمنی روش‌های اقدام‌پژوهی می‌پردازند.
 - (۳) روش‌هایی که به صورت صریح و آگاهانه آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند.

جدول ۳. تلاقی مطالعات اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی

اقدام‌پژوهی که به ترکیب آینده‌اندیشی ضمنی می‌پردازد	آینده‌پژوهی که به ترکیب اقدام‌پژوهی مشارکتی ضمنی می‌پردازد	ترکیب آشکار و صریح اقدام-پژوهی و آینده‌پژوهی
پژوهش آینده ویزبرد و همکاران (۲۰۰۰)	جلسه شهر الکترونیک دیتور (۱۹۸۳)	یادگیری از اقدام برآوردی عنایت‌الله (۲۰۰۶)
اقدام‌پژوهی تاربرت (۲۰۰۴)	کارگاه‌های آینده جانگ و مولر ^۱ (۱۹۸۷)	آینده‌پژوهی اقدام سیاسی مارکلی ^۲ (۲۰۱۱)
چشم‌اندازسازی سازمانی شرمر و سنگه ^۳ (۲۰۰۰)	آینده‌پژوهی اقدام‌محور نواکی (۲۰۰۶)	به کارگیری چرخه اقدام‌پژوهی برای آینده چندگانه لیست (۲۰۰۶)

با توجه به دسته‌بندی مطرح شده، در ادامه به معرفی برخی روشها پرداخته می‌شود. "یادگیری از اقدام برآوردی"^۴ نام روشی است که صراحتاً به ترکیب آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی پرداخته است که نخستین بار توسط مک‌کین^۵ (۱۹۹۹) ارائه شد. به زعم راموس (۲۰۰۶) و لیست (۲۰۰۵)، عنایت‌الله (۲۰۰۲، ۲۰۰۱) کاملترین دیدگاه را در خصوص ترکیب یادگیری ناشی

1. Jungk & Müllert
2. Markley
3. Scharmer & Senge
4. Anticipatory action learning
5. Macken

از اقدام و آینده‌پژوهی ارائه کرده است. از دیدگاه عنایت‌الله (۲۰۰۴) یادگیری از اقدام برآوردی دارای مشخصات ذیل می‌باشد:

هدف خلق بدیل از طریق پرسش از آینده است.

عین و ذهن هر دو واقعیت دارند

مهمترین نکته، تعامل بین معانی و اقدامات می‌باشد

آینده ثابت نبوده و باید به‌طور مداوم مرور شود

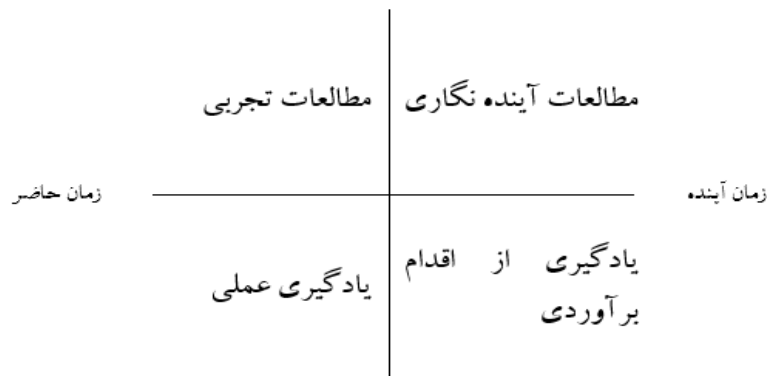
یادگیری مبتنی بر دانش برنامه ریزی شده و پرسش از آینده و روش‌های شناخت و کسب اطلاع است

یادگیری ناشی از اقدام، از طریق تجربه کردن می‌باشد

مشارکت همه افراد و پرسش از مشارکت کنندگان پیرامون چگونگی مشاهده آینده

تعریف آینده به‌صورت متقابل.

پژوهش‌های سنتی



اقدام‌پژوهی / یادگیری عملی

شکل ۲. موقعیت فکری یادگیری از اقدام برآوردی (مارکلی، ۲۰۱۱)

توجه به این نکته مهم به‌نظر می‌رسد که چنین روش‌هایی کاملاً جدید نیستند (راموس، ۲۰۰۶). بل (۱۹۹۷) از ترکیب دو روش آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی تحت عنوان روش آینده‌پژوهی مشارکتی^۱ یاد می‌کند. براین اساس مشارکت فعال در طراحی و خلق آینده سازمان از حقوق تمامی ذی‌نفعان آن است. اما مسأله اینجا است که ذی‌نفعان مختلف، دیدگاه

مشابهی از آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح سازمان ندارند. آینده پژوهی مشارکتی نه تنها زمینه‌های عملی برای مشارکت تمامی ذینفعان در طراحی و خلق آینده مطلوب جامعه، بخش، سازمان و غیره را فراهم می‌سازد، بلکه تلاش می‌کند ضمن دسته‌بندی انواع آینده‌ها از منظر انواع ذینفعان، دیدگاه‌های آنها را حتی الامکان و در قالب یک چشم‌انداز مشترک به هم نزدیک نماید. در واقع این نوع آینده‌پژوهی را می‌توان فرایندی برای یادگیری عملی مشترک دانست: یادگیری چگونگی طراحی و خلق آینده مطلوب، بر این اساس بل (۱۹۹۷) آینده‌پژوهی مشارکتی را مشارکتی (حرکت به سمت فرایند دموکراتیک سازی فرایند آینده‌اندیشی) و اقدام محور (خدمت در قالب تسریع‌کنندگی تغییر) می‌داند. از مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان به جلسه شهر الکترونیک (دیتورا، ۱۹۸۳) و سایه سکوت (شولتز^۲، ۱۹۸۸) اشاره کرد. در نهایت بل (۱۹۹۷) از اقدام‌پژوهی مشارکتی^۳ به عنوان یکی از بزرگترین مکاتب اقدام‌پژوهی و نمونه اصلی روش آینده‌پژوهی مشارکتی نام می‌برد.

همگرایی اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی

برمبنای آنچه گذشت مشاهده می‌شود هیچ روش منفرد استاندارد یا روشی که به سرعت قابل شناسایی بوده و همگرایی واقعی اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی را نشان دهد، وجود ندارد. آنچه مشاهده می‌شود روش‌های غیرمشابه هستند که از ترکیب فرایندهای اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی یا قلمروهای گسترده‌تر استفاده می‌کنند (راموس، ۲۰۰۶). بر این اساس جریانی از کارشناسان آینده‌پژوهی که به ترکیب آینده‌پژوهی با اقدام‌پژوهی، و یا برعکس (اقدام‌پژوهی با آینده‌پژوهی) می‌پردازند، ظاهر شده است که می‌توان با به کارگیری فرایندهای مشابه از طریق روشهای بسیار متفاوت و زمینه‌هایی منحصر به فرد آنها را شناسایی کرد. این فرایندها عبارتند از:

۱. آینده به عنوان اصل اقدام کنونی

به زعم اسلاتر (۲۰۰۳) آینده اصل اقدام کنونی است^۴ و آینده پدیده‌ای شناختی است که ارتباط نزدیک‌تری با توسعه تکاملی آینده‌نگاری دارد. بر این اساس آینده‌پژوهی می‌تواند نسبت به اقدام و تصمیم‌گیری اطلاع‌رسانی کند. دیدگاه‌های جبرگرای گذشته

1. Dator
2. Schultz
3. Participatory Action Research
4. The future is a principle of present action

نسبت به آینده را کنار گذاشته و به سمت این دیدگاه حرکت می‌کند که آینده در واقع آینده‌های متکثر بوده و به صورت مشترک خلق می‌شود. این درک ضمنی وجود دارد که تغییر اجتماعی تنها آن چیزی نیست که برای فرد اتفاق می‌افتد (ساختار)، بلکه افراد به طور جمعی تغییر اجتماعی را می‌سازند (عاملیت)^۱. آینده‌پژوهی با چنین تفکری نیز به طور سنتی گرایش به بررسی الگوها و فرایندهای تغییر اجتماعی و تصور آینده‌های بدیل دارد. از سوی دیگر رویکرد اقدام‌پژوهی یک روش عاملیت است که به طور آگاهانه، آینده‌های مورد نظر ما را شکل می‌دهند. این روش نوظهور، دربرگیرنده آینده به عنوان اصل اقدام کنونی^۲ است و این دو نسخه تغییر اجتماعی را کنار هم قرار می‌دهد. در این دو نسخه، بررسی آینده‌های بدیل، که محور اصلی آینده‌پژوهی است، به فرایند جانبی عاملیت در شکل‌دهی به آینده‌هایی که در مورد آنها چشم‌اندازسازی می‌کنیم، تبدیل می‌شود. نظریه گیدنز^۳ (۱۹۸۴، به نقل از راموس، ۲۰۰۶) پیرامون ساختاربندی حاوی این «دوگانگی ساختاری»^۴ است که به توصیف روابط عاملیت، نظام‌ها و ساختارها می‌پردازد. گیدنز به ترکیب دیدگاه‌های کارکردگرا در نظام‌های اجتماعی، دیدگاه‌های ساختارگرا در متون عمیق و مکاتب روان‌شناختی و پدیدارشناسی که بر قدرت عاملیت انسان تاکید دارند، می‌پردازد. در این بافت، دیدگاه جدیدی از تغییر اجتماعی وجود دارد که در آن اقدام‌پژوهی ارتباط بیشتری با آینده‌پژوهی پیدا می‌کند و به عنوان یک روش تحقیق با هدفی مشخص برای تغییر اجتماعی پیشرو مطرح می‌شود.

۲. اعتبار به عنوان توانمندسازی و ظرفیت‌سازی

به طور کلی روش‌ها به سمت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی حرکت می‌کنند. پرسش اینجاست که دانستن آینده ارزشمندتر است یا ظرفیت‌سازی برای اندیشیدن انتقادی و قدرتمند درباره آینده؟ و اقدام‌پژوهی و آینده‌پژوهی به بخش دوم گرایش دارند. در واقع چنانچه پذیرفته شود که آینده را نمی‌توان شناخت یا آینده در واقع وجود خارجی ندارد، و بیان خودآگاه خود انسان است، نباید درباره آینده‌پژوهی براساس کارآمدی شناخت آینده قضاوت نمود، بلکه باید براساس کارآمدی آن در تسهیل ظرفیت آینده بین افراد، قضاوت کرد. با توجه به

-
1. Agency
 2. Future as principle of present action
 3. Giddens
 4. Duality of structure

این معیار، تمرکز از کارشناسان آینده‌پژوهی که به خلق محتوا می‌پردازند به سمت فرایندهای مشارکت‌کننده که به تسهیل توسعه ظرفیت آینده می‌پردازند، معطوف می‌شود. رویکرد ظرفیت‌سازی تنها زمانی شکست می‌خورد که فرایند تکامل و ارتقای خود را متوقف سازد. روش‌های مذکور انعکاس‌دهنده این معیار اعتبار و نمایاندن جهت‌گیری مجدد به سمت برآورده‌ساختن نیازهای فردی و بین‌فردی می‌باشند.

۳. انسانی شدن: به‌سمت کل افراد

روش‌های مذکور تعهد مشترکی نسبت به خلق انسان‌های کل‌نگرتر دارند. این حرکت به‌سمت افرادی است که ابعاد زمان و حس تغییر را گسترش داده‌اند و همزمان دارای ظرفیت بیشتری برای مشارکت در فرایندهای تغییر با مشارکت و همراهی دیگران هستند. این روش‌ها به‌صورت شناختی از گذشته عبور کرده و به یادگیری درباره دیدگاه‌های متفاوت افراد نسبت به آینده، چگونگی تبادل موثرتر مسائل آینده‌پژوهی، چگونگی ایجاد بستر مشترک برای آینده‌های مشترک، ترکیب دانش و حوزه‌های مختلف برای پرداختن به مسائل نوظهور و پیچیده و دانشی بیشتر درباره خود و روابط کنونی می‌پردازند. به‌این شکل آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی به‌دیدگاه گسترده‌تر توسعه انسانی شباهت پیدا می‌کند، مشابه تحقیق مشهور گاردنر در مورد هوش‌های مختلف که به شناسایی هوش‌های هشت‌گانه تصویری، زبان‌شناختی، منطقی-ریاضی، موسیقایی، جسمی-حرکتی، میان‌فردی، درون‌فردی و طبیعت‌گرا منجر شد.

۴. ترکیب نظام‌های دانش

با توجه به اینکه روش‌های اقدام‌پژوهی تنوع وسیعی از مشارکت‌کنندگان با دیدگاه‌های مختلف را کنارهم قرار می‌دهند، فرایند پیش‌نگری آنها ادراکات، معارف رشته‌ای و جهان‌بینی فرهنگی عمیق افراد را کنارهم قرار می‌دهند. چنین رویکردی موجب بروز چالشی عظیم در کنارهم قرار دادن دیدگاه‌ها در قالب اهدافی مشترک می‌گردد. در نتیجه چنین رویکردی به آینده‌پژوهی، از طریق ترکیب بازیگران مختلف و دیدگاه‌های متعدد، به سمت تحقق اهداف متقابل گرایش دارد. روش‌های مختلف چارچوب‌های مختلفی برای تسهیل ترکیب نظام‌های دانشی دارند. به عنوان مثال عنایت‌الله (به نقل از راموس، ۲۰۰۶) در روش

یادگیری اقدام برآوردی^۱ به‌اصلاح چارچوب ریوانس^۲ (یادگیری = دانش برنامه ریزی شده + پرسشگری) به‌صورت (یادگیری = دانش برنامه‌ریزی شده + پرسشگری از آینده + روش‌های دانستن) می‌پردازد. براین اساس آینده‌پزوهی به‌دنبال ایجاد زمینه مشترک بین ذینفعان مختلف و حرکت به‌سمت اقدام‌جمعی می‌باشد. رویکرد اقدام‌پزوهی نسبت به آینده، همراه با فرایند ترکیب مطلوب، روشی برای خلق آینده‌های مشترک و حل مسائل پیچیده است.

۵. اخلاق فرایند

مفهوم اخلاق در روش‌های ذکر شده، به‌سان اصول انتزاعی که باید از آنها پیروی کرد، یا اخلاق حرفه‌ای نیست، بلکه یک فرایند اخلاق خودانگیخته و مشهود در تعاملات روزانه جهان است. این موضوع توسط وارلا^۳ (به‌نقل از راموس، ۲۰۰۶) در بحث دانش اخلاقی خلاصه شده که به شرح تمایز بین اخلاق به‌عنوان مجموعه‌ای انتزاعی از افکار، فرمول بندی‌ها، قوانین^۴ و اخلاق به‌عنوان حوزه‌ی فعالیت مشترک انعکاسی^۵ می‌پردازد. در این مفهوم، روش‌های توصیف‌شده از فرآیندی اقدامات اخلاقی پیروی می‌کنند که به‌طور مستمر با توجه به بافت آینده‌نگاری تکامل می‌یابند. با گسترش و تغییر آگاهی ما نسبت به مسایل مرتبط با آینده‌ها، ابعاد جدیدی به‌مسئولیت ما در زمان حال افزوده می‌شوند. این بدان مفهوم نیست که خلق مجموعه‌ای انتزاعی و ثابت از قوانین مفید نیست و یا باید به‌نسبی‌گرایی اخلاقی براساس «آینده» پرداخت. دیدگاه بل (۱۹۹۷) پیرامون اخلاق در آینده‌پزوهی در بافت قرن ۲۱ مطرح شده است و به‌جای فعالیت ذهنی فرمول‌بندی مسائل انتزاعی و قوانین و اصول، بر اخلاق اجراشده‌ی مطرح شده توسط آینده‌نگاری تاکید دارد. علاوه بر این اخلاق در بسیاری از روش‌های مطرح شده به‌سمت خلق مشترک آینده‌های مشترک گرایش داشته و به ترکیب شیوه‌های متفاوت شناخت ذینفعان در یک اقدام معنادار متقابل می‌پردازند. حرکت اخلاقی به‌سمت روش‌های بالاتر شناخت و خودسازماندهی صورت می‌گیرد.

-
1. Anticipatory action learning
 2. Revans' framework
 3. Varela
 4. Ethics as an abstract set of deliberations, formulations and rules
 5. Ethics as a field of reflective interactivity

نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی به‌عنوان پارادیمی نوین در برنامه‌ریزی بلندمدت و مشارکتی، بسیاری از رشته‌های علوم انسانی معاصر را تحت تاثیر قرار داده‌است که اندیشیدن به آینده را به‌عنوان ضرورت تصمیم‌گیری و مشارکت در اقدامات هدفمند پیرامون آینده در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر اقدام‌پژوهی، فعالیتی علمی است که در آن فرد حین کار و انجام فعالیت تلاش می‌کند تا وضعیت نامطلوب را به‌وضعیتی نسبتاً مطلوب تغییر دهد و هدف کار بهسازی امور و اثربخشی آن است. در سالهای اخیر با توجه به ریشه‌ها و پایگاه فلسفی مشابه آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی که پیشتر مورد توجه قرار گرفت و همچنین به‌منظور حساس سازی نسبت به مسایل پیچیده جهانی (راموس، ۲۰۰۶)، محققان به ترکیب این دو اقدام کرده‌اند (عنایت‌الله، ۲۰۰۶؛ نواکی، ۲۰۰۶؛ ویزبرد و همکاران، ۲۰۰۰)، علاوه بر این برخی پژوهشگران به بررسی نقاط تلاقی این دو پرداخته‌اند (راموس، ۲۰۰۶؛ فلاید، ۲۰۱۲). بر این اساس هدف این مقاله بررسی مقایسه‌ای آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی و بررسی نقاط اشتراک و تمایزات آنها و ارائه نگاهی اجمالی به مطالعات انجام شده و روشهای ترکیبی حاصل از این دو بود. در این راستا پس از معرفی اجمالی این دو حوزه، به مشابتهای و تفاوت‌های آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی پرداخته شد. از جمله مشابتهای این دو حوزه می‌توان به هماهنگی اهداف اولیه، مشارکت، تغییر اجتماعی، خلق دانش، تفکر سیستمی، پیچیدگی، چشم‌انداز آینده، تعهدات دموکراتیک، بازتفسیر سیستم تحت بررسی، نوآوری اجتماعی اشاره کرد. علاوه بر این عنوان شد آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی در مواردی چون هدف، محور اصلی، میزان تحرک، تمرکز بر زمان، مرکز توجه، قابلیت هدایت و برنامه‌ریزی، مقطع، توجه به نیروهای تاثیرگذار و میزان مشارکت پژوهشگر تفاوت‌های بارزی با هم دارند. سپس مروری اجمالی بر مطالعات انجام شده در این زمینه و ترکیب این دو حوزه در پژوهش‌های انجام شده، صورت گرفت و به معرفی چند روش ترکیبی حاصل از ترکیب آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی پرداخته شد. باید توجه کرد در روش‌هایی که به ترکیب آینده‌پژوهی و اقدام‌پژوهی پرداخته‌اند، بافتار^۱ یک عنصر کلیدی است و فرآیندهای مورد استفاده بستگی به شرایط و محیط فرض شده دارند.

با توجه به عدم تجانس بی پایان جهان، روش های مورد استفاده به نیازها و ملزومات خاص خود بستگی دارند. در اینجا مفهوم «هستی زایی»^۱ ماتورانا مورد توجه قرار می گیرد. هستی زایی، تاریخ بودن هر نظام خودسازمانده (خودتنظیم گر)، توالی یا مراحل تبدیل شدن آنها است. به دلیل آن که هر یک از نظام های خودسازمانده دارای شرایط منحصر به فرد و فشارهای انطباق پذیر هستند، هر یک از آنها پاسخ های منحصر به فردی را می یابند که ابزاری و مفهومی هستند. همان طور که ماتورانا و ارا (۱۹۸۷؛ به نقل از راموس، ۲۰۰۶)^۲ بیان می دارند دانستن، اقدام موثر است^۳؛ یعنی اقدام موثر در قلمرو وجودی موجودات زنده می باشد. هر روش هستی شناسی خاص خود را داشته که منحصر به فرد است و مشتمل بر عناصر مفهومی، نظری و عملی می باشد. مثلا، به کارگیری آینده پژوهی در دنیای نامتجانس با توجه به هر کشور، شرایط و نقش متفاوت است و نقش های مدرس، مشاور یا فعال وجود دارد. با این وجود، می توانیم بگوییم که خودشناسایی کافی میان مردم جهان برای تشکیل دادن فراطبقه ی آینده پژوهی وجود دارد. مطالعه مقایسه ای آینده پژوهی و اقدام پژوهی به سان مطالعه تطبیقی فیل و موش می باشد. علی رغم وجود تفاوت های فیزیولوژیکی بین موش و فیل هر دو در رسته پستانداران قرار می گیرند. در واقع آینده پژوهی و اقدام پژوهی نشان دهنده دوره های مختلف در یک سفر مشترک هستند. این دو یکسان نیستند، زیرا هر کدام یک تاریخ منحصر به فرد دارند و در حال حاضر در جوامع مختلف بر اساس هویت حرفه ای خود متمایز شده اند. واضح است که در سطح عمیق تر اعضای این جوامع، خود آگاهی مشابهی در جهان بینی های مرتبط دارند (فلاید، ۲۰۱۲).

منابع

- ایرانی، یوسف؛ بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۸۲). روش تحقیق عملی (اقدام پژوهی)، چاپ اول، تهران، لوح زرین.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۸۳). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، چاپ اول، تهران، صفار.

1. Ontogeny
2. Maturana and Varela
3. Knowing is effective action

زندوانیان، احمد؛ عیسوی، محسن؛ جعفری احمدآبادی، حسن. (۱۳۹۰). مطالعه بنیادهای فلسفی روش تحقیق اقدام‌پژوهی. *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۳(۱)، ۱۴۴-۱۲۳. عابدی، احمد؛ شواخی، علیرضا؛ جعفری هرنندی، بتول. (۱۳۸۶). روش‌شناسی اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم رفتاری، *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*. شماره ۵۱، ۸۹-۷۱

محروق، فاطمه؛ خوشکار، امیرعباس. (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی، سناریونویسی و بایسته‌های درک پیچیدگی محیط بین‌الملل در پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی.

- Amara, R. (1981). The futures field: searching for definitions and boundaries. *The Futurist*, 15(1), 25-29.
- Amara, R. (1984). New directions for futures research—setting the stage. *Futures*, 16(4), 401-404.
- Baskerville, R., & Pries-Heje, J. (1999). Grounded action research: a method for understanding IT in practice. *Accounting, Management and Information Technologies*, 9(1), 1-23.
- Bell, W. (1997). *Foundations of futures studies, volume 1: history, purposes, and knowledge*. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
- Bezold, C., & Hancock, T. (1993). An Overview of the Health Futures Field for the WHO Health Futures Consultation. Retrieved from Geneva, IN: *Ann Taket, Heath Futures in support of health for all, report of an international consultation convened by the World Heath Organisation*, 69-91.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2007). *Research methods in education*: London: Routledge.
- Dator, J. (1983). The 1982 Honolulu electronic town meeting. *The Future of Politics: Governance, Movements and World Order*, 211-220.
- Dator, J. (1997). *Future Studies as applied Knowledge. Sustainable Global Communities in the Information Age*. Visions from Futures Studies.
- Earl, S.; Feidman, A. (2002) "The superiority of action research". *British Journal of Clinical Governance*, 7(2): 132 – 135
- Floyd, J. (2012). Action research and integral futures studies: A path to embodied foresight. *Futures*, 44(10), 870-882.
- Gordon, T. J. (1992). The methods of futures research. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 522(1), 25-35.
- Hagevik, R., Aydeniz, M., & Rowell, C. G. (2012). Using action research in middle level teacher education to evaluate and deepen reflective practice. *Teaching and Teacher Education*, 28(5), 675-684.
- Hayward, P. (2004). Futures studies as a catalyst for change. *Futures*, 36(5), 611-616.
- Heron, J., & Reason, P. (2006). The practice of co-operative inquiry: Research 'with' rather than 'on' people. *Handbook of action research*, 2, 144-154.

- Hicks, D. (2002). Teaching about global issues, the need for holistic learning. *Lessons for the Future, the Missing Dimension in Education*, 98-108.
- Inayatullah, S. (1990). Deconstructing and reconstructing the future: Predictive, cultural and critical epistemologies. *Futures*, 22(2), 115-141.
- Inayatullah, S. (1998). Causal layered analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, 30(8), 815-829.
- Inayatullah, S. (2001). *Questioning the Future: An Anticipatory Action Learning Guide for Transforming Organizations: Queensland University of Technology*. The Communication Centre.
- Inayatullah, S. (2002). *Causal layered analysis: unveiling the future. Questioning the Future: Futures Studies, Action Learning and Organizational Transformation*, Tamkang University Press, Taipei.
- Inayatullah, S. (2006). Anticipatory action learning: Theory and practice. *Futures*, 38(6), 656-666.
- Jungk, R., & Müllert, N. (1987). *Future Workshops: How to create desirable futures*: Institute for Social Inventions London.
- Kuosa, T. (2011). Evolution of futures studies. *Futures*, 43(3), 327-336.
- Lempert, R. J. (2003). *Shaping the next one hundred years: new methods for quantitative, long-term policy analysis*: Rand Corporation.
- Lincoln, Y. S., Lynham, S. A., & Guba, E. G. (2011). Paradigmatic controversies, contradictions, and emerging confluences, revisited. *The Sage handbook of qualitative research*, 4, 97-128.
- Lincoln, Y., & Guba, E. (2000). *Paradigmatic controversies. contradictions. and emerging confluences*. In, NK Densin & YS Lincoln. (Eds). *Handbook of qualitative research*: Thousand Oaks, CA: Sage.
- List, D. (2005). *Scenario network mapping: the development of a methodology for social inquiry*: University of South Australia.
- List, D. (2006). Action research cycles for multiple futures perspectives. *Futures*, 38(6), 673-684.
- Macken, J. (1999). *New learning curve sends planners back to the future*. Australian Financial Review-Weekend (December 31-January 3), 2-3.
- Mannermaa, M. (1991). In search of an evolutionary paradigm for futures research. *Futures*, 23(4), 349-372.
- Marien, M. (2002). Futures studies in the 21st century: a reality-based view. *Futures*, 34(3-4), 261-281
- Markley, O. (2011). Research and action toward the upside of down. *Journal of Futures Studies*, 15(3), 145-174.
- Mertler, C. A. (2008). *Action research: Teachers as researchers in the classroom*: Sage.
- Nováky, E. (2006). Action oriented futures studies in Hungary. *Futures*, 38(6), 685-695.
- Ramírez, R., & Ravetz, J. (2011). Feral futures: Zen and aesthetics. *Futures*, 43(4), 478-487.
- Ramos, J. M. (2002). Action research as foresight methodology. *Journal of Futures Studies*, 7(1), 1-24.
- Ramos, J. M. (2006). Dimensions in the confluence of futures studies and action research. *Futures*, 38(6), 642-655.

- Reason, P., & Bradbury, H. (2001). *Handbook of action research: Participative inquiry and practice*: Sage.
- Sardar, Z. (1993). Colonizing the future: the 'other' dimension of futures studies. *Futures*, 25(2), 179-187.
- Scharmer, C., & Senge, P. (2000). *Community Action Research*: Sage Publications, California, USA.
- Schultz, W. (1988). *Silences shadows, reflections on futures*. J. a. R. Dator, M. (Ed.), Who Cares.
- Slaughter, R. (1999). *Futures for the third millennium: Enabling the forward view, prospect*. New South Wales.
- Slaughter, R. A. (2002). Futures studies as a civilizational catalyst. *Futures*, 34(3), 349-363.
- Slaughter, R. A. (2002). *New thinking for a New Millennium: The knowledge base of futures studies*: Routledge.
- Slaughter, R. A. (2003). *Futures beyond dystopia: Creating social foresight*. Routledge.
- Stringer, E. T. (2013). *Action research*: Sage Publications.
- Tapio, P., & Hietanen, O. (2002). Epistemology and public policy: using a new typology to analyse the paradigm shift in Finnish transport futures studies. *Futures*, 34(7), 597-620.
- Torbert, W. (2001). *The Practice of Action Inquiry*. I Reason & Bradbury (red) 2001, sid. 250-260: London: SAGE Publications INC.
- Torbert, W. R. (2004). *Action inquiry: The secret of timely and transforming leadership*: Berrett-Koehler Publishers.
- Weisbord, M. R., Weisbord, M., & Janoff, S. (2000). *Future search: An action guide to finding common ground in organizations and communities*: Berrett-Koehler Publishers.